

به نام خدا

پرورش و تربیت کودک

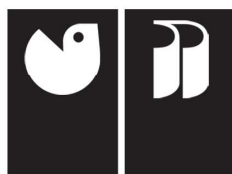
تربیت جنسی کودکان

آشنایی با مراحل رشد جنسی کودکان

نویسنده: رگینا فینکه • مترجم: لی لا لفظی
بازنویسی: سیما سلمان

آموزش نه گفتن جهت پیشگیری از سوءاستفاده جنسی از کودکان

کودکان سرسخت و قوی از خود بهتر محافظت می کنند





این اثر توسط داروان و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش، برای مطالعه‌ی مربیان کودک و والدین مناسب دانسته شده‌است.



واحد کودک و نوجوان
موسسه‌ی نشر و
تحقیقات دکتر

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ معتمدش، شماره ۲۰، طبقه همکف، واحد ۲
تلفن: ۰۲۱ ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط) • تلکس: ۶۶۴۶۸۱۶۶۳ • کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۲۷
www.ghasedakbooks.ir • فروشگاه آنلاین • تلگرام: ghasedakbooks

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه‌ی مترجم.....	۷
مقدمه.....	۹
من بندهم را دوست دارم.....	۱۳
چگونه می‌توانیم کودکی را در مسیر رشدش یاری کنیم.....	۱۳
برای آن که بچه‌ها بدانند با ارزش‌اند.....	۱۸
آموزش بهداشت به کودکان.....	۲۶
تربیت جنسی از طریق حواس.....	۴۱
به بندهم "بله" می‌گویم!.....	۴۱
ما الگو هستیم.....	۶۵
اهمیت الگوی رفتاری.....	۶۵
گذشته چراغ راه آینده.....	۶۵
من خودم هستم و این خوب است.....	۸۱
تربیت جنسی مهم‌تر از آن است که تصور می‌شود.....	۸۱
مفهوم تربیت جنسی.....	۹۰
نمی‌خواهم مرا ببوسید.....	۹۳
سوءاستفاده از کجا آغاز می‌شود و چگونه باید مراقب فرزندتان باشید...۹۳	۹۳

تربیت جنسی کودکان

رگینا فینکه

ترجمه‌ی لی‌لا لفظی

بازنویسی: سیما سلمان

زیر نظر شورای بررسی

اجرای جلد: حسین نیلچیان

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک

لیتوگرافی: کلیا • کد: ۹۱/۴۸۹

چاپ هفتم: ۱۴۰۲ • تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۵۱۹-۴

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

قیمت: ۵۹۰۰۰ تومان

سرشناسه: فینکه، رگینا Finke, Regina

عنوان و نام پدیدآور: تربیت جنسی کودکان؛

آشنایی با مراحل رشد جنسی کودکان/ رگینا فینکه؛ مترجم لی‌لا لفظی

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۵۱۹-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فنیاً

یادداشت: عنوان اصلی: Weil ich nein sagen darf

موضوع: کودکان - رفتار جنسی - آموزش به کودکان

موضوع: کودکان و امور جنسی - والدین و کودک

شناسه افزوده: لفظی، لی‌لا، ۱۳۲۸ -، مترجم

رده‌بندی دیویی: ۶۴۹/۶۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۵۲۸۹

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

پیشگفتار

به دنبال صنعتی شدن جوامع و گذر از مدرنیسم، سست شدن بنیان خانواده، پایین آمدن آمار ازدواج، متأسفانه آناژشی جنسی روز به روز افزایش می‌یابد. یکی از آن‌ها کودک آزاری و سوءاستفاده جنسی از کودکان می‌باشد. و این امر برای بشریت یکی از بزرگ‌ترین، آلام می‌باشد. چرا که کودکان معصوم و ناآگاه دست‌خوش امیال شیطانی بزرگسالان آگاه قرار می‌گیرند. بدون این که بتوانند از خود دفاع نمایند. از آن‌جا که این عمل در همه جوامع ناپسند است معمولاً افشاء نمی‌گردد و آمار صحیحی از میزان کودکانی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند، وجود ندارد و بدتر این که بزرگسال فاعل جهت لذت بردن خود این عمل را انجام داده و توسط تکنولوژی‌های جدید عکس‌های آن را برای دیگران به عنوان یک سرگرمی ارسال می‌نماید و به این وسیله قبح عمل کمتر می‌شود. به همین دلیل حدود سه دهه است که روان‌شناسان، روان‌پزشکان، متخصصین تعلیم و تربیت و والدین از جنبه‌های مختلف این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند.

روان‌شناسان این افراد را جزء گروه بیماران با اختلال شخصیت، روان‌پزشکان در گروه بیماران روانی و متخصصین تعلیم و تربیت آنان را قربانیان یک نظام تعلیم و تربیت غلط، طبقه‌بندی می‌نمایند.

کودکان سرسخت و قوی بهتر می‌توانند از خود محافظت کنند..... ۱۰۲
پیشگیری از راه ایجاد خودآگاهی و استقلال رأی..... ۱۰۲
احساسات خوشایند و ناخوشایند..... ۱۰۶
کودکان چگونه به اهمیت احساساتشان پی می‌برند..... ۱۰۶
من به خودم اعتماد دارم و می‌توانم «نه» بگویم..... ۱۲۲
چگونه کودکان را به «نه گفتن» تشویق کنیم..... ۱۲۲
هدف آموزشی: کودکان سرسخت و قوی..... ۱۲۲
من سوءظن دارم: چه کنم؟..... ۱۴۰

مسئله این است که وقتی چنین اتفاقی روی می‌دهد، مسئله محدود به همین موضوع خاص نمی‌شود، بلکه پیامدهای آن مانند رازداری تحمیلی، افسردگی، احساس عدم کفایت در حفظ فرد و در جوانی به پرخاشگری، احساس انتقام‌گیری و... تبدیل می‌شود و به این ترتیب یک سیکل مجرمانه، تکرار و تکرار می‌شود. شاهد این مدعا بررسی پرونده کسانی است که به این عمل یا قتل و یا انواع بزه‌ها متهم شده‌اند، نشان می‌دهد که آن‌ها حداقل یکبار مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته و خاطره تلخ همراه با آن برای همیشه در ذهنشان مانده است. «۷۳٪ از زندانیان آمریکا»

بنابراین به یک عزم راسخ نیاز است تا کودکان را توانا و آگاه تربیت کرد تا بتوانند در مواقع لازم «نه بگویند» و البته این نوع آگاهی دادن کاملاً باید متناسب با سن کودک و نوع سؤالاتی که مطرح می‌نماید، با کمال صداقت، بیان واضح و قابل فهم، بدون شرح و بسط باشد، بدون این‌که کنجکاوی بیشتری را در ذهن او ایجاد نماید.

در این راستا خانم رگینا فینکه این کتاب را مبتنی بر تجربیات خود نوشته است، البته ممکن است بعضی از قسمت‌های آن با فرهنگ بومی کشورمان مطابقت نداشته باشد ولی آگاهی از این نکات می‌تواند برای مربیان و والدین مفید باشد.

به امید روزی که ارزش‌های انسانی - اخلاقی در همه جوامع، جانی دوباره گیرد و کمتر شاهد چنین مصائبی بود.

سیما سلمان

مقدمه‌ی مترجم

همه ما فرزندانمان را دوست داریم و همیشه مراقبیم که آسیبی به آنان نرسد. ما هرگز نمی‌توانیم تحمل کنیم که کسی فرزندانمان را بیازارد. بدون شک یکی از دغدغه‌های والدین این است که چگونه می‌توانند از فرزندشان در برابر خطرات موجود محافظت کنند. بدیهی است که نمی‌توان همه مشکلات و خطرات را از کودکان دور کرد اما می‌توان آن‌ها را طوری تربیت کرد که در مقابله با خطرات و تهدیدات به بهترین شکل از خود دفاع کنند.

از این رو امروزه مهم‌ترین مسئله تربیت فرزندان قوی و سرسخت است؛ کودکانی که سرشار از اعتماد به نفس و آگاهی، در صورت رویارویی با افراد و موقعیت‌های بد، واکنش درستی از خود نشان دهند. در این صورت دیگر لازم نیست نگران باشید، زیرا مطمئن هستید که فرزندان با مهم شمردن احساساتش موقعیت‌های بد و ناخوشایند را تشخیص می‌دهد و در صورتی که به کمک نیاز داشته باشد، از شما یاری می‌طلبد و به موقع شما را در جریان می‌گذارد. نکته مهم این است که به فرزندان بفهمانید همیشه در کنارش هستید و در هر شرایطی از او حمایت می‌کنید.

کتاب حاضر در هفت فصل حاوی بازی، شعر، قصه، تمرین و راهنمایی‌های متعدد و مفیدی است که برای تربیت کودکی قوی و آگاه به شما کمک

می‌کند؛ کودکی که به خود و والدینش اعتماد دارد، با جسارت «نه» می‌گوید و به این ترتیب به کسی اجازه‌ی سوءاستفاده نمی‌دهد. از آن‌جا که این اثر ترجمه‌ای از زبان آلمانی است، در برخی موارد به علت عدم مغایرت نظرات نویسنده با باورهای ملی و مذهبی ما در خصوص مسایل جنسی، تغییراتی توسط مترجم اعمال گردیده است. البته این تغییرات به گونه‌ای اعمال شده‌اند که در نهایت آسیبی متوجه محتوای مطلب نشود. امید است این اثر راهگشایی باشد تا بتوانیم فرزندانِ جسور و مطمئن تربیت کنیم.

مقدمه

بسیاری از والدین نسبت به دست‌خوردگی و باکره‌نماندن فرزندان خود نگران و مضطرب‌اند. هفته‌ای نیست که رسانه‌های عمومی (در کشورهای غربی) درباره‌ی سوءاستفاده‌های جنسی نسبت به دخترها و پسرها بحث و بررسی نداشته باشند. به همین دلیل، حتی دانستن این مطلب که آمار این جنایات در سال‌های اخیر چندان افزایشی نداشته است، کمک مهمی به این موضوع نخواهد کرد.

ذهن ما، پس از مدت نسبتاً کوتاهی، ممکن است اخبار مربوط به جنایات جنسی کودکان را فراموش کند. این مسئله شاید به این دلیل باشد که ما مستقیماً با این موضوع درگیر نیستیم. اما آن‌چه در ذهن باقی می‌ماند، ترس نهفته در جان ما از وقایع باورنکردنی و این پرسش توأم با دلهره است که: «چگونه می‌توانم از فرزندم در برابر این خطرات محافظت کنم؟»

هنوز هم موضوع «کودک و تمایلات جنسی» در بحث‌ها و گفت‌وگوهای عمومی و خصوصی مردم، به عنوان موضوعی ستیزه‌جویانه، زشت و زننده مطرح است. برخی از والدین ترجیح می‌دهند فرزندان را از هر بحث مربوط به مسائل جنسی کاملاً دور نگه دارند. این که کودک نباید هیچ‌گاه با این مسئله روبه‌رو گردد، امیدی باطل و واهی است؛ چون از هر کودکی ممکن است

می‌اندازد و می‌تواند احساس بی‌یابری و بی‌پناهی فرد را تشدید کند. پژوهش‌های تطبیقی نشان می‌دهند مجرمان کسانی را به عنوان قربانی برمی‌گزینند که حالت ترس، ناامنی، ناآگاهی و نیاز عاطفی آن‌ها از طریق چهره، حالت‌های ظاهری و نوع رفتارشان پیداست.

دقیقاً به همین علت است که ذهن انسان به سمت تربیت پیشگیرانه معطوف می‌شود. بهتر است شعار ما این باشد:

کودکان را با هشدارهای مرموز و ترس‌آور بیش از این کوچک و خوار نکنیم، بلکه آنان را در برقراری ارتباطی سرشار از اعتماد تقویت نماییم.

هدف آن است که کودکان بیاموزند تا بدن خود را بشناسند و به آن عشق بورزند، بیاموزند و متوجه باشند که میل جنسی متعلق به آن‌هاست و کاملاً بجاست، بیاموزند که به خود و احساساتشان اعتماد کنند و بتوانند به موقع کمک بگیرند.

بنابراین، موضوع این کتاب کمک به تقویت خودآگاهی و اعتماد به نفس کودکان در چارچوب یک تربیت جنسی شفاف و صادقانه است. زیرا کودکانی که قوی و سرسخت هستند و با مسائل جنسی به درستی آشنا شده‌اند، بهتر از دیگران در برابر خطرات از خود محافظت می‌کنند.

با این حال، باید گفت که ایداً مراقبت صددرصدی وجود ندارد. اصولاً هر کودکی می‌تواند قربانی یک سوءاستفاده جنسی باشد؛ همان طور که هر زنی می‌تواند قربانی یک تجاوز و هر مردی قربانی یک سرقت شود. پس باید دانست که تفکر و تأمل در خصوص اقدامات پیشگیرانه، مشکل را به خودی خود حل نمی‌کند. به عنوان مثال؛ اساساً نمی‌توانیم از فرزندانمان در برابر تصادفات رانندگی محافظت کنیم. با این وجود، آن‌ها را آماده می‌سازیم تا با درک درست از مشکلات تردد در خیابان و آداب و اصول ترافیک، خودشان را از خطر در امان نگه دارند. در عین حال، شاید کودک با هوشی آداب عبور و مرور را هم بداند و هنگام چراغ قرمز هم توقف کند، اما راننده‌ای بی‌دقت متوجه دوچرخه

سوءاستفاده جنسی شود؛ پس گریزی از طرح این موضوع نیست.

ضمناً این‌طور نیست که میل جنسی افراد در سنین ۱۴ یا ۱۵ سالگی یک‌باره از آسمان پایین بیفتد. کودک از همان ابتدای تولد موجودی با ویژگی‌های جنسیتی است. پس این مسئله مطرح است که چگونه می‌توان او را در تکامل جنسی‌اش همراهی و همزمان او را نسبت به خطرات سوءاستفاده‌های جنسی آگاه کرد.

من مایل‌م به این مشکلات نزدیک‌تر شوم و پیشنهادات و ایده‌های کاملاً عملی و کاربردی در اختیار شما قرار دهم؛ پیشنهاداتی از طریق یک تربیت جنسی جامع و کامل که به ما و به خصوص به فرزندانمان، اعتماد به نفس بیشتری بدهد و ترس‌ها را نیز از میان بردارد.

وقتی سخن بر سر سوءاستفاده باشد، بدترین چیز همان ترس و وحشت است. این موضوع هم در تربیت پیشگیرانه صادق است؛ و هم برای پروسه‌ای که قصد دارد سوءظنی را به دقت تبیین و آن را توضیح دهد.

شما با هشدارهای خیرخواهانه والدین آشنایی دارید: «با غریبه‌ها جایی نرو!» یا «از غریبه‌ها آبنبات نگیر!» با وجودی که هشدارهای والدین هنوز هم در گوشم صدا می‌کنند، اما در کودکی کوچک‌ترین اطلاعی نداشتم که غریبه‌ها چه نقشه‌ای در سر دارند و این که چگونه می‌توان از شرایط بدی خلاص شد.

هشدارهای والدینم اصلاً کمکی به من نکردند. وقتی کوچک بودم، روی پای مربی اسکیت‌م می‌نشستم. او در ظاهر فرد بسیار محترمی بود، اما رفتارش آن‌قدر با من عجیب بود که نمی‌توانستم درباره آن با کسی صحبت کنم. برخلاف هشدار والدینم، مربی من فرد غریبه‌ای نبود، اما آن‌چه برایم اتفاق می‌افتاد، درست نبود و چون می‌خواستم بچه حرف شنو و بالادبی باشم، دستوره‌ای مربی را گوش می‌دادم. مفهوم دقیق و روشن آن هشدارها فقط برای من یک پیام داشت و آن هم «ترس» بود.

امروزه می‌دانیم که ترس فقط انسان را به حالت فلج و بی‌دست و پایی